

سید و سرور محمد نور جان
 مهتر و بهتر شفیق مجرمان
 (مولوی)

تسبیح

در جلسه یی بانگی چند ازدوستان نشسته بودیم و سخن از ادب و شعر و نثر پارسی می رانیدیم . مجلس گرم و بیان و گفتار آنان گیرا و شیوا بود . گاه گاهی به زبان یاران الفاظی مأنوس و مهجور می رفت که توضیح و تفسیر هر يك از آنها لازم می نمود . از الفاظ مهجور بگذریم که نیازمند بحث و تدقیق و تحقیق و جست و جوی بسیار است ! و اما از الفاظ مأنوس که آن هم تجسس و تفحص لازم دارد یکی لفظ «سید» بود ! لغت اخیر به زبان یکی از دوستان جاری و دوستی دیگر تاریخچه و مبدأ و منشأ آن را خواستار گردید و گفت :

هر چند به نظر می رسد که این کلمه معنی و مفهوم و نتیجه اش در جملات و عبارات و طرز استعمالش در میان عوام و خواص معلوم و مشهور باشد . اما تاکنون درجایی و یا در کتابی و دفتری دیده نشده که بالاستقلال از آن بحثی شده باشد و موارد استعمال و معانی گوناگون و مفاهیم متأخر و متقدم آن روشن و واضح گشته باشد ، بدان جهت هر گاه بتوان طرق به استخدام گرفتن آن را در قدیم و جدید شناساند بی شك نوعی اقتناع ادبی و خرسندی روحی نصیب ما خواهد گردید ، حال این گوی و این میدان !

بنده در آن میان داوطلب شدم و اظهار تمایل نمودم که با جست و جو و تأمل و

تفحص در کتب قدماء و فرهنگ های لغت تا آنجا که قدرت دید و امکان تحقیق وسعت دهد تاریخچه و معنی و مفهوم و موارد استعمال آن را در ادب پارسی نشان دهم ، امید وارم آنچه در ذیل آورده می شود جویندگان را در نیل به این مقصود و منظور کمک و یاری کرده باشد ، که همین مرابِس ! .

نخستین منبع درباره لفظ «سید» مصحف عزیز و قرآن کریم است . لفظ «سید» دو بار در کتاب مبین آمده : یکی در سوره آل عمران آیه ۳۹ و دیگر در سوره یوسف آیه ۲۵ .

در کتاب وجوه قرآن (صفحه ۱۴۱) تصنیف ابوالفضل حبیش بن ابراهیم تفلّیسی مؤلف به سال ۵۵۸ هجری به سعی و اهتمام آقای دکتر مهدی محقق استاد دانشگاه چنین آمده :

سید - بدان که سید در قرآن بر دو وجه باشد : وجه نخستین . سید به معنی مهتر بود ! چنان که خدای در سوره آل عمران (آیه ۳۹) گفت : « وسیداً وحصوراً ونبیاً من الصالحین » یعنی : السید بعینه .

ووجه دوم: سید به معنی شوهر بود ، چنان که در سوره یوسف (آیه ۲۵) گفت :
« وألفیا سیدها لدی الباب » یعنی : بعلها .

در جلد دوم کشف الاسرار و عدة الابرار تألیف ابوالفضل رشید الدین المیبیدی مؤلف در سال ۵۲۰ هجری به سعی و اهتمام آقای علی اصغر حکمت استاد ممتاز دانشگاه چنین آمده :

(.... « مصداقاً بکلمة من الله وسیداً » در نعت یحیی (ع) می گوید : بارخدای
مهتری است کریم تر خدای عز و جل - گفته اند : که سه چیز شرط سیادت است :
علم و حلم و تقوی ! تا این سه خصلت به هم نیایند ، در یک شخص ، استحقاق سیادت

مراورا ثابت نشود . وقیل :

السید - السائس لسواد الناس أى معظمهم ولهذا يقال : سید العبد ولا يقال سید

[الثوب]

این دو شاهد به ما نشان می دهد که لفظ سید لغتاً به معنی : « مهتر و بزرگ و شوهر » است . چنان که در کتب لغت علاوه بر این معانی ، معانی دیگر برای آن آورده شده است . در فرهنگ نفیسی تألیف مرحوم دکتر علی اکبر نفیسی (ناظم - الاطباء) پدر استاد فقید سعید نفیسی چنین آمده :

« سید Syyed اسم عربی : مولا و رئیس و بزرگ و آقا و آغا . و شریف -

ترین و کریم ترین مردم ، و لقب اولاد امجاد آن حضرت - صلی الله علیه وآله - که از نسل فاطمه سلام الله علیها باشند ، و کریم و سخی ، ودانا و فاضل و حکیم و حلیم ، و بن پیر ! و جمع آن : سادة و سیائد و جمع الجمع آن : سادات .

وقیل يطلق السید والسيدة على الموالى لشرفهم على الخدم وان لم يكن لهم فى

قومهم شرف ، فقیل سید العبد للذكر و سیدته للأثى ، و زوج المرأة یسمى سیدها و السید ایضاً ما افترضت طاعته .

حدیث عایشة - رضی الله عنها - : قال كنت عند النبى - صلی الله علیه وآله -

فاقبل على بن ابى طالب (ع) فقال : صه هذا سید العرب . فقلت : یا رسول الله ، ألسنت

سید العرب ؟

فقال : أنا سید ولد آدم و على سید العرب . قلت : وما السید ؟

قال : من افترضت طاعته كما افترضت طاعتى . و همچنین : سید القوم ، سید -

الابرار ، سید الانام « سید الافاق ، سید الانبیاء ، سید المرسلین و سید البشر همه از

القاب آن حضرت (ص) می باشد .

سیده Sayyedah مؤنث سید ، و سید المخدرات از القاب زنان پادشاهان و امرای بزرگ می باشد، و سیده نساء العالمین لقب حضرت فاطمه - سلام الله علیهاست. « جمع «سید» را در لغت نامه کبیر مرحوم علی اکبر دهخدا این گونه آورده اند: «سادات: جمع سادت (ساده) است که در اصل سیده بود ، جمع تکسیر سائد ؛ و سائد بر وزن فاعل به معنی سید است . پس سادات جمع الجمع سائد باشد نه جمع سید . لغة یعنی : مهتران .

که سادات جمع جوانان جنت نبی گفت : هستند شبیر و شبیر
(دیوان ناصر خسرو ، ص ۱۵۰)

واسامی ملوک عصر وسادات زمان به نظم رائع و شعر شائع این جماعت (یعنی شاعران باقی است .

(چهار مقاله نظامی عروضی - مصحح دکتر معین ص ۵۱)

در نزد عارفان و صوفیان و سالکان طریق الی الله هر گاه از « سید » نامی برده شود بیشتر منظورشان خواجه لولاک حضرت محمد « ص » می باشد چنانکه در تفسیر بزرگ کشف الاسرار و عدة الابرار و در مرصاد العباد من المبدأ الی المعاد شیخ نجم الدین رازی و در تمهیدات عین القضاة همدانی و در عبهر العاشقین شیخ روز بهان بقلی شیرازی و در الانسان الكامل عزیز الدین نسفی و امثال اینها ، هر جا لفظ « سید » را به کار می برند اشاره به پیامبر اسلام است ، و پس از این اگر آن را در استخدام در آورند بیشتر در آغاز نام پیران طریقت و روندگان راه حقیقت می آید که البته به معنی « مهتر و بزرگ و شریف و مجید » است . اکنون چند مثال :

« سید را گفتند : یا محمد ! توجه می گویی ؟ گفت : ما را در بدایت این

کار ، این ادب در آموختند که : « واخفض جناحك لمن اتبعك من المؤمنین » .

(مجلد سوم کشف الاسرار و عدة الابرار ، ص ۶۵۷)

« سیدی که در تواضع چنان بود که يك قرص از درویش قبول کردی ، و دنیا جمله به يك درویش دادی ... عزیز قدری ، محمدنامی ، ابوالقاسم کنیتی ، مصطفی لقبی ، صد هزاران هزار صلوات و سلام خدای بر روح پاك و روان مقدس او باد .
(ایضاً ص ۷۶۶)

« روزی آن مهتر عالم و سید ولد آدم (ص می گفت : ان حراء جبل یحبنى و أحبہ : این کوه حرا مرا دوست است و من او را دوستم !
گفتند : ای سید ! کوه را چنین می گوئی ؟ چیست این رمز ؟ گفت :
آری ، شراب مهر از جام ذکر آنجا نوش کرده ایم . سید صلوات الله علیه - در بدایت کار - که آثار نبوت و امارت وحی بر او ظاهر گشت . روز کاری با کوه حرا می شد ، و درد این حدیث در آن خلوتگاه او را فرو گرفته ، و آن کوه او را چون غمگساری شده ... »

کشف الاسرار - مجلد سوم ص ۷۹۴

در آثار نظم و نثر فارسی شواهد گوناگون برای این لفظ می توان آورد اما سخن به درازا می کشد . و همچنین در کتب جغرافیا و تواریخ ، اسامی امکانه و محلات و افراد و اشخاص مختلف به نام سید و سیده و سادات نام گذاری شده و فرقه ها و طایفه ها و قوم های مختلف اسلامی تحت عنوان « سادات » در سراسر عالم اسلام معروف و مشهور اند مانند : سادات احمدی ، سادات بابلگانی ، سادات باولی ، سادات بیهق ، سادات جبرئیلی ، سادات حسینی ، سادات رضا توفیقی ، سادات زیدی ، سادات سید ناصرالدین ، سادات طالبی ، سادات محمودی . سادات مرعشی ، سادات مختاریه ، سادات مرتضوی ، سادات هزار جریب ...

(رجوع کنید به کتب تواریخ و جغرافیا و جزء ۵۴ لغت نامه دهخدا)

اما مفهوم کلمه سید در بیان و زبان و عقیده و اندیشه مردم بسیار شکفت آور و عظیم و مهم است . پاره‌یی از مردم آن قدر به «سید» ارزش و اهمیت قائل اند که حل هر گونه مسأله و مشکلی را از آن میجویند و می‌خواهند . روی همین اصل افرادی هستند که در سوء استفاده از لفظ سید در اجتماع ارج و قرب و درجه و مقام پیدا می‌کنند . البته در این میان هستند سادات پاک اعتقادی که در نزد عوام معروف و مشهور اند چنانکه برخی معتقدند که سادات از بلاها و سختی‌ها و رنج‌ها تا اندازه‌یی در امان و حفاظ هستند زیرا که سید ، فرزند فاطمه زهراء (ع) دختر حضرت محمد (ص) می‌باشد .

پیرایه و مایه سیدی بر خود بستن جهت سوء استفاده از عوام الناس در تمام طول تاریخ تا امروز مشهود است و در این مورد می‌توان شواهد گوناگون آورد ، اما به علت اینکه مقال به اطناب و قصه به درازا می‌کشد از آوردن شواهد خودداری میکنیم ، چه منظور ما از نشان دادن مفهوم لفظ و مبدأ و منشأ آن بود که از مصحف کریم آغاز کردیم و به کتب لغت و تفاسیر ختم کردیم . والسلام علی من اتبع الهدی .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

چون در امضای کاری متردد باشی آنرا اختیار کن که بی‌آزارتر باشد . مردمان را عیب نهانی پیدا مکن که مر ایشان را رسوا کنی و خود را بی‌اعتماد .

(سعدی)